آنجلینا جولی، ستاره هالیوودی به عنوان فرستاده ویژه آژانس آوارگان سازمان ملل، با آوارگان ونزوئلایی که در یک اردوگاه در لیما، پایتخت پرو ساکن هستند، دیدار کرد. او گفت: خروج هزاران مهاجر ونزوئلایی از کشورشان که به یک بحران شوکه کننده در آمریکای جنوبی منجر شده قابل جلوگیری بود. جولی در سفر به پرو همچنین با مارتین ویزکارا، رئیس جمهور این کشور دیدار و با وی درباره یافتن راه حل هایی برای بحران مهاجرت گفت وگو کرد. براساس گزارش سازمان ملل، بیش از ۱/۹ میلیون سکنه ونزوئلا از سال ۲۰۱۵ این کشور را ترک کرده اند و حدود ۴۰۰ هزار نفر هم به پرو آمده اند. رویدادی که بزرگ ترین جابه جایی جمعیتی در تاریخ آمریکای لاتین توصیف می شود.

آنجلینا جولی به دنبال حمایت از آوارگان ونزوئلایی

تحلیل روز

مجید اخوان

خبرنگار و کارشناس ترکیه

«نداشته های» بی پایان بن سلمان

۲۰ روز از ناشیانه ترین ترور قرن گذشت و افکار عمومی جهان همچنان به دنبال پاسخی برای یک حماقت تاریخی می گردند. حتی بی تجربه ترین سرویس های اطلاعاتی هم خوب می دانند که برای حذف یک خبرنگار آن هم چهره ای بین المللی چه راه های پیش پا افتاده ای وجود دارد که می توان به اصطلاح «چراغ خاموش» او را از سر راه برداشت. اما سرویس جاسوسی عربستان یا همان استخبارات حتی به خود زحمت نداد با یک جست وجوی ساده در گوگل و اینترنت روش های قربانی شدن شخصیت هایی همچون خبرنگاران را مطالعه کند. استخبارات که مستقیم زیر نظر بن سلمان فرماندهی و هدایت می شود، با روشی کاملا غیر حرفه ای ۱۵ نفر را به استانبول اعزام می کند تا کلک یک مخالف میانه رو را بکنند، غافل از این که از سر راه برداشتن حتی مخالف هم اصول خودش را دارد. کافی بود به یکی از عوامل داخلی خود در ترکیه یک هزار م هزینه ای را که حالا روی دست بن سلمان گذاشته، بدهند و سر خاشقچی را زیر آب کنند یا حتی از سرویس جاسوسی ترکیه (میت) یاد بگیرند که بهترین روش چیست، همان طور که چندین خبرنگار مشهور در ترکیه کشته شدند از جمله ناجی جرف خبرنگار و مستندساز سوری که به ضرب گلوله کشته شد یا سرنا شیم (خبرنگار پرس تی وی ایران در ترکیه که اطلاعاتی از همکاری میت و داعش را ارائه کرده بود) را از سر راه برداشتند و آب از آب تکان نخورد، اما اقدام سعودی ها آن قدر احمقانه بود که همپیمانان عربستان هم یارای سرپوش گذاردن بر این حماقت را ندارند، از آمریکا گرفته تا رژیم صهیونیستی و امارات و برخی متحدان منطقه ای آن ها. از آن طرف هم منتقدان حاکمیت سعودی که مترصد گرفتن امتیاز از این گاو شیرده بودند در پوست خود نمی گنجند تا به بهترین شکل ممکن بهره برداری سیاسی، اقتصادی کنند از جمله ترکیه؛ ترکیه ای که پس از قطع روابط عربستان و قطر طرف دوحه بزرگ ترین سرمایه گذار خارجی خود را گرفت و انگشت اتهام را به سوی ریاض نشانه رفت. دو روز پیش رجب طیب اردوغان در جمع اعضای حزب عدالت و توسعه گفت: تمام شواهد حاکی از آن است که قتل و جنایت جمال خاشقچی با برنامه ریزی قبلی و به طور وحشیانه ای انجام شده، از این رو ترکیه اجازه نخواهد داد این جنایت که با سوء استفاده از مصونیت دیپلماتیکی صورت گرفته در پرده ابهام باقی بماند. رئیس جمهور ترکیه با اشاره به قرائن و شواهد موجود در دستگاه های اطلاعاتی امنیتی ترکیه از مقامات سعودی خواست آمران و عاملان این جنایت را به سزای عمل شان برسانند. وی با طرح سوالاتی از جمله این که ۱۵ مقام سعودی شامل چند ژنرال و رئیس سازمان پزشکی قانونی عربستان چرا و به دستور چه کسی به استانبول آمده اند؟ چرا اجازه بازرسی از ساختمان کنسولی را همان روز صادر نکردند؟ چرا در حالی که جنایت عیان بود اظهارات ضد و نقیض بیان کردند؟ چرا جسد هنوز پیدا نیست؟ یک مقام مسئول عربستان گفته که جسد به یک همدست داخلی داده شده؟ این شخص کیست؟ از مقامات عربستان به ویژه بن سلمان خواست هر چه زودتر پاسخ منطقی به این سوالات بدهند. حالا بن سلمان مانده و موجی از فشار افکار عمومی و رسانه ای سراسر دنیا. از سوی دیگر کنفرانس آینده سرمایه گذاری در سعودی با عنوان داووس صحرا، آغاز به کار کرد، جدای از این که بسیاری از معتبرترین شرکت ها و بزرگ ترین هلدینگ های اقتصادی جهان از حضور در این کنفرانس منصرف شدند، صفحه رسمی این کنفرانس هم توسط هکرها از کار افتاد. هکرها در صفحه رسمی سایت این کنفرانس تصویری از بن سلمان به سبك اعدام هایی که داعش انجام می داد قرار دادند که شمشیر به دست بالای سر جمال خاشقچی ایستاده است. به نظر می رسد غیبت غول های تجاری، رسانه ها، مقامات سیاسی و اقتصادی در داووس صحرا، واحه ترسیم شده در ذهن بن سلمان را به سرابی دست نیافتنی در کویر عربستان بدل کرده است.

یادداشت

سید رضا قزوینی غرابی

international@khorasannews.com

فتح و سائرون، وزارتخانه ها را درو می کنند!؟

با این که تاکنون بیشتر آن چه در رسانه ها درباره ترکیب دولت عادل عبدالمهدی گفته می شود شبیه حدس و گمان است اما اظهارات چند روز گذشته ایاد علاوی معاون سابق رئیس جمهور در برنامه الحصاد شبکه الشرقیه مبنی بر این که سائرون و فتح وزارتخانه های مهم را از آن خود کرده و بقیه را به دیگر گروه ها داده اند برخی خبرهای پشت پرده منتشر شده در این باره را تقویت می کند. فتح و سائرون قبلا گفته بودند که از حق خود برای در اختیار داشتن چند وزارتخانه کوتاه می آیند و اختیار انتخاب را به نخست وزیر مکلف می سپارند. اما منابع بسیار نزدیک به عبدالمهدی می گویند که این دو گروه با فشار بر روی بیشترین سهم احزاب شیعه را به خود اختصاص داده اند یعنی از ۱۰ وزارتخانه سهم شیعیان، به هر یک از فتح و سائرون چهار وزارتخانه اختصاص داده شده است. نکته دیگری که نشان می دهد ایجاد سایت الکترونیکی برای ثبت نام متقاضیان وزارت توسط نخست وزیر مکلف موضوعی جدی نبوده است و انتخاب وزیران سازوکار دیگری دارد، چگونگی بررسی پرونده ۳۶ هزار نفری است که در این سایت ثبت نام کرده بودند. طبیعتا این میزان بالای ثبت نام نیاز به وقت و دقت زیادی دارد و در فرصت اندک موجود، عبدالمهدی و تیم وی نمی توانسته اند این پرونده ها را بررسی کنند. به خصوص آن که اغلب احزاب آشکارا از سهم خود در وزارتخانه می گویند و عبدالمهدی برای این که بتواند رأی اعتماد کابینه را بگیرد، چاره ای جز راضی کردن احزاب و استفاده از وزیران وابسته به احزاب ندارد. باید منتظر فهرست نهایی کابینه بود تا صحت ادعاهای برخی احزاب را مبنی بر باز گذاشتن دست عبدالمهدی و تمایل نداشتن آن ها به مدیریت وزارتخانه ها مشاهده کرد.

رئیس جمهور آمریکا: اگر کسی در قتل خاشقچی دست داشته باشد، آن بن سلمان است

ترامپ پشت بن سلمان را خالی کرد؟

بالاخره سکوت ترامپ شکست. یک روز پس از این که جینا هاسپل رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، به ترکیه رفت تا درباره جزئیات قتل جمال خاشقچی اطلاعات کسب کند، رئیس جمهور آمریکا نقش بن سلمان در این جنایت را پذیرفت. دونالد ترامپ در مصاحبه ای با وال استریت ژورنال در پاسخ به سوالی درباره دست داشتن محمد بن سلمان در قتل گفت: «در مرحله فعلی، ولیعهد اداره بیشتر امور را در دست دارد. او کارها را اداره می کند و بنابراین، اگر کسی [در قتل] دست داشته، او بوده است.» اما او از این که جنایت ولیعهد سعودی قابل انکار نیست، احساس خوشایندی نداشت. ترامپ در کاخ سفید به خبرنگاران گفت که «نقشه اولیه آن ها خیلی بد بود، به بدی اجرا شد و در تاریخ سرپوش گذاری، این بدترین نمونه بود. به نظرم هر کسی این ایده را مطرح کرده به مخمصه بدی افتاده و باید هم افتاده باشد.» سخنان ترامپ در حالی است که مارکو روبیو، سناتور ایالت فلوریدا پیش از این گفته بود که «قضیه قتل خاشقچی بی احترامی به ترامپ و همه آن هایی بود که از اتحاد استراتژیک با عربستان سعودی حمایت می کردند. نه تنها آن ها این مرد را کشتند که رئیس جمهور آمریکا و متحدان شان در کنگره را در مخمصه بدی گذاشتند.» با این حال بن سلمان دیروز با شنیع دانستن قتل خاشقچی تاکید کرد که روابط ریاض با آنکارا ناگسستنی است. حالا در آستانه انتخابات میان دوره ای کنگره که کمتر از دو هفته دیگر برگزار می شود، ترامپ باید بحران پیش آمده توسط متحد نزدیک خود را به نفع خود خاتمه دهد. اما رئیس جمهور آمریکا باید چگونه با این بحران مواجه شود؟ و روابط ریاض–واشنگتن به کدام سو گرایش پیدا می کند؟ مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا به خبرنگاران گفته است: «درباره مرگ خاشقچی، ما دست کم تعدادی از افراد مسئول از جمله آن هایی را که در سرویس های اطلاعاتی، دربار سلطنتی، وزارت خارجه و دیگر وزارتخانه های سعودی شاغل هستند شناسایی کرده ایم.» این افراد که تعداد آن ها به ۲۱ تن می رسد مشمول مجازات هایی از جمله لغو ویزا و ثبت نام در فهرست اشخاص تحت نظر برای ویزای ورود، می شوند. همچنین وزارت خارجه در حال بررسی امکان به اجرا گذاشتن تحریم های مرتبط با قانون «ماگنیتسکی» است. این قانون برای تحریم مرتکبان نقض فاحش حقوق بشر در سراسر دنیا تصویب شده و سنای آمریکا از دولت خواسته است اجرای آن علیه مقامات سعودی مسئول قتل جمال خاشقچی را مورد توجه قرار دهد. مایک پمپئو می گوید: «این مجازات ها به معنی حرف آخر آمریکا در این باره نیست، ما به بررسی اقدامات بیشتری برای تنبیه مسئولان این قتل ادامه خواهیم داد» همان طور که پمپئو می گوید، مسئولان حادثه تنبیه می شوند و نه حکومت سعودی. عربستان هنوز برای واشنگتن مهره ای ارزشمند است. آمریکا با چشم پوشی از جنایات سعودی، تلاش دارد با پشتیبانی از آن به جنگ خود با نفوذ منطقه ای ایران برود. همچنین، عربستان به عنوان دومین تولید کننده نفت در جهان پس از آمریکا، در تعیین قیمت جهانی نفت عنصری تاثیرگذار به شمار می رود. از طرفی، در حوزه صادرات تسلیحات به عربستان، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا معتقد است اگر واشنگتن از فروش محموله های بزرگ تسلیحات به عربستان امتناع ورزد، ریاض از روسیه یا چین سلاح خواهد خرید. ترامپ پیشتر گفته بود، ریاض قبلاً سامانه های موشکی، ناو و دیگر وسایل به مبلغ ۱۱۰ میلیارد دلار به واشنگتن سفارش داده که برای آمریکاییان ۵۰۰ هزار فرصت شغلی به وجود آورده است. پس به سادگی نمی توان از این گاو شیرده گذشت. علاوه بر این، عربستان حالا دیگر خریدار صرف تسلیحات آمریکا نیست، بلکه یکی از پایه های اصلی سرمایه گذاری در فناوری های نوین آمریکاست و دلارهایش در سیلیکون ولی نقشی مهم بازی می کند. بیش از شش میلیارد دلار سرمایه گذاری در شرکت تاکسی اوبر، بیش از دو میلیارد دلار در شرکت مستغلاتی مربوط به نوآوری های اطلاعاتی WeWork و ۹۰۰ میلیون دلار در شرکت سازنده خودروهای الکتریکی لوسید، تنها بخشی از سرمایه های سعودی در بازار آمریکاست. روزنامه وال استریت ژورنال مدعی است که عربستان بزرگ ترین سرمایه گذار در عرصه استارت آپ های آمریکاست. به عبارتی بخش اعظم ۱۰ میلیارد دلاری که در این زمینه در آمریکا سرمایه گذاری شده از آن سعودی هاست.

■ بن سلمان قربانی جنایت خود

ورای مسائل مالی و نقش عربستان در تحکیم و تقویت جبهه علیه ایران ارتباط تنگاتنگ بن سلمان با جرد کوشنر، داماد ترامپ از عوامل عمده نزدیکی کم سابقه ریاض و واشنگتن بوده است. این دوستی باعث شده بن سلمان از دست زدن به جنایت در کنسولگری استانبول ابایی نداشته باشد، با این حساب که اگر ماجرای خاشقچی در تنگنا هم قرار گرفت، واشنگتن تلاش خود را خواهد کرد تا خدشه ای متوجه متحد حیاتی اش نشود. بن سلمان قبلا هم دیده بود که در جنگ ماجراجویانه یمن یا تحریم و اعمال فشار بی سابقه علیه قطر دولت ترامپ در کنارش ایستاده یا دست کم درونش بر سر رویکرد در قبال این سیاست های ریاض اختلاف نظر است. در ماجرای بی سابقه اسارت سعد حریری در ریاض هم از همه صدایی انتقادآمیز و قابل شنیدن بلند شد به جز از دولت ترامپ. بر همین اساس می توان تعلل ترامپ در افشای جزئیات قتل خاشقچی را درک کرد. اگر فشار افکار عمومی، روشنگری رسانه هایی مانند واشنگتن پست و نیویورک تایمز، رقابت های انتخابات میان دوره ای کنگره (که ماجرای خاشقچی هم از سوی دموکرات ها به موضوعی برای فشار بر ترامپ و جمهوری خواهان بدل شده) نبود، شاید بعید بود که ترامپ از موضع ابتدایی اش درباره قابل قبول بودن توضیحات ریاض عقب بنشیند. سیاست خارجی آمریکا اغلب براساس حمایت از «متحد قابل اعتماد و قابل اتکا» برای منافع واشنگتن بوده است. اولویت نه دیکتاتور / دموکرات، که «قابل اعتماد بودن» بود. پیامد منفی این تغییرات را به وضوح می توان در بحران قتل خاشقچی و نقش بن سلمان دید. لیندسی گراهام (سناتور محافظه کار نزدیک به ترامپ) بهتر از هر فردی در آمریکا متوجه خطر تغییری که ترامپ در سیاست خارجی آمریکا به وجود آورده، شد. او در مصاحبه با فاکس، با عصبانیت خواهان برکناری بن سلمان شده بود. نه لزوماً به خاطر سلاخی خاشقچی، بلکه به قول خودش او خطاب به بن سلمان گفته بود «بعد از همه حمایتی که من و ترامپ از تو کردیم، با چه جرئتی ما دو تا رو در این شرایط قرار دادی.» حالا زمان آن رسیده که آمریکا ریسک در کشور متحد خود را کم کند. اقدامی که ممکن است با تغییر بن سلمان رخ دهد.

فراخبر

امیرعلی ابوالفتح

۱۱ سپتامبر و خاشقچی

وقتی ۱۵ تبعه سعودی به همراه چهار تن دیگر، برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک و ساختمان عظیم پنتاگون را در واشنگتن هدف قرار دادند و سه هزار آمریکایی را به کام مرگ فرستادند، آمریکا علیه ریاض شورش نکرد، بلکه بهای این حمله تروریستی را طالبان در افغانستان پرداخت کرد. اما قتل یک روزنامه نگار سعودی – که حتی تابعیت آمریکا را نیز نداشت – در کنسولگری عربستان در شهری خارج از خاک آمریکا، به شورش تمام عیار و بی سابقه ای علیه ریاض و خاندان سعودی، از جمله ولیعهد جوان این کشور انجامیده است. چرا؟ * در حادثه ۱۱ سپتامبر چند تبعه یاغی نقش داشتند در حالی که در قتل جمال خاشقچی، راس نظام سیاسی عربستان یا حداقل فرد شماره دو، محمد بن سلمان دخیل بوده است. *عربستان در روز وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر متحدی گوش به فرمان و مطیع بود در حالی که این کشور از مدت ها قبل از کشته شدن خاشقچی نشانه هایی از ماجراجویی، یکدندگی و حتی تمرد در برابر نظم آمریکایی را به نمایش گذاشت که محاصره قطر و بازداشت چندروزه سعد حریری در ریاض از جمله آن موارد بودند. مسلما آمریکا در برخورد با ماجرای ۱۱ سپتامبر و قتل خاشقچی واکنش متفاوتی در پیش گرفت. چگونه؟ *بعد از ۱۱ سپتامبر، آمریکا با کمک دربار سعودی تحت حاکمیت فرزندان بنیان گذار کشور، غده سرطانی وهابیت را در داخل عربستان جراحی کرد و پس مانده آن را به خارج از مرزهای عربستان راند. *بعد از قتل خاشقچی، آمریکا با کمک یا بدون کمک دربار سعودی تحت حاکمیت نوه های بنیان گذار کشور، قصد دارد غده در حال شکل گیری سرکشی و هویت خواهی عربستان را جراحی و از رانده شدن این بیماری به خارج از مرزهای عربستان جلوگیری کند. تردیدی نیست که آینده روابط آمریکا و عربستان بعد از دو حادثه ۱۱ سپتامبر و قتل خاشقچی تفاوت خواهد داشت. به چه شکل؟ *حتی با مرگ سه هزار آمریکایی در حادثه ۱۱ سپتامبر، روابط استراتژیک میان واشنگتن و ریاض حفظ شد و دو کشور بیش از پیش به هم نزدیک شدند. *بدون مرگ حتی یک آمریکایی در ماجرای قتل خاشقچی، روابط استراتژیک میان واشنگتن و ریاض به شدت آسیب دیده است و دو کشور در مسیر کاهش وابستگی به هم حرکت می کنند.

دکتر محسن زنگنه

international@khorasannews.com

تئاتر ترامپ با سر خاشقچی

آنانی که رژیم آل سعود را می شناسند، می دانند که رابطه آل سعود و دولتمردان آمریکا، فراتر از رابطه شریک و همراه است. حتی بر اساس مفاهیم عرف بین الملل، نمی توان آل سعود را فقط یک دولت دست نشانده خواند. رابطه دولت آمریکا و حکومت آل سعود، رابطه ارباب و برده است. برده ای که مال و جان و آبروی او به دست ارباب خود است و هیچ گونه اختیار و ولایتی بر سرزمین و تعاملات سیاسی و اقتصادی و حتی فرهنگی خود ندارد. رژیم آل سعود نمی تواند بدون اجازه و اذن آمریکا، قدم از قدم بردارد. این موضوع نه تنها در تعاملات و اقدامات بین المللی عربستان صدق می کند (مانند حمله به یمن، تجهیز داعش، دخالت در امور سیاسی لبنان و ...) بلکه حتی تصمیمات داخلی کشور و نیز سیاست ها و راهبردهای درون خانوادگی آل سعود نیز توسط آمریکا طرح ریزی و مدیریت می شود یا حداقل اجازه و رضایت آمریکا را به همراه دارد. علاوه بر این، سیستم امنیتی عربستان در اختیار کامل سیستم های امنیتی آمریکا مانند سیا و پنتاگون قرار دارد به ویژه مسائلی که مستقیم یا غیر مستقیم به پادشاه یا ولیعهد و شاهزادگان مربوط می شود. در کلیه اقدامات تروریستی که در سال های گذشته صورت گرفته، به وضوح دست هدایتگر آمریکا دیده شده است. رهبر انقلاب بارها در قضایایی که به نحوی، عربستان بازیگر نقش اول آن بوده است، متذکر شده اند که جهان اسلام از دست های پشت پرده و دشمن اصلی غافل نشوند. با این مقدمه نمی توان قبول کرد که قضیه قتل خاشقچی، بدون اطلاع آمریکا و شخص ترامپ صورت گرفته باشد. نه خاشقچی، فردی معمولی است و نه دولت ترکیه، که داعیه رهبری جهان اسلام و پرچمداری مبارزه با تروریست را دارد، دولتی است که از کنار این ماجرا به راحتی بگذرد. اطلاعات به دست آمده (که اغلب توسط سرویس های خبری وابسته به آمریکا و لابی صهیونیست و نیز مراکز امنیتی ترکیه به صورت حساب شده و قطره چکانی، مخابره می شود) نیز حکایت از اطلاع سرویس های امنیتی آمریکا و ترکیه دارد. اما، سخن بالاتر از این است. نگارنده معتقد است نه تنها آمریکا مطلع بوده است بلکه اصولا قتل خاشقچی به دستور آمریکا و با نقشه و طراحی سیستم های امنیتی دولت ترامپ رخ داده است. طرح ترور خاشقچی توسط آمریکا و به دست نیروهای امنیتی آل سعود، به گونه ای طرح ریزی می شود که ولیعهد به طور مستقیم در جریان امور قرار داده شود و در نهایت آخرین تماس ها و مجوزها نیز توسط شخص بن سلمان و رئیس دفتر مخصوص وی صورت می گیرد تا هیچ شبهه ای برای دخالت و آمریت بن سلمان باقی نماند. حداقل ترین نکات امنیتی در این طرح به ظاهر رعایت نمی شود تا همه چیز به ضرر بن سلمان پیش رود. تلفن و ساعت خاشقچی که مجهز به میکروفن بوده، از وی تحویل گرفته نمی شود، مکالمات ضبط و تماس ها از طریق تلفن های سفارت انجام می شود و موارد بسیاری از این قبیل که باز شاهدی است بر این مدعا که قرار است جنایتی رخ دهد و هزاران سند و مدرک علیه ولیعهد عربستان در اختیار عموم قرار گیرد. بعد از عملیات ترور، قسمت دوم تئاتر ترامپ، کلید می خورد. این بار نقش اول را روزنامه های واشنگتن پست، نیویورک تایمز، خبرگزاری سی ان ان و نیروهای امنیتی ترکیه بازی می کنند و اردوغان به عنوان منجی و پرچمدار ضد تروریسم، محوریت بخش دوم این سناریو را بر عهده می گیرد. روزنامه هایی که تا همین دیروز، یمن و عراق و سوریه را سانسور و از بن سلمان و حکومت آل سعود، به عنوان دولتی مترقی یاد می کردند و تصاویر صفحه اول خود را به رقص شمشیر شاه عربستان یا اقدامات انسان دوستانه بن سلمان اختصاص داده بودند، صفحات شان و مقالات و تحلیل هایشان پر می شود از جنایات آل سعود به رهبری بن سلمان. اردوغان نیز چنین وانمود می کند که انگار از هیچ چیزی اطلاع نداشته و از این که در کشورش، چنین جنایت هولناکی رخ داده است، عصبانی و اندوهناک است و عزم جدی دارد تا مسببان آن را به سزای خویش برساند. و اما جالب تر از همه، نقش ترامپ است که ابتدا، موضعی مسامحه کارانه می گیرد تا مبادا دوستان و شریکان عربش گمان کنند که ترامپ، رفیق نیمه راه است اما زمانی که اقدامات اردوغان و تیم امنیتی ترکیه با اطلاع رسانی های ممتد خود و روزنامه ها و خبرگزاری ها و شبکه های ماهواره ای با پوشش خبری خود، شرایط را آماده می سازند، به یک باره ترامپ، بن سلمان را عامل قتل خاشقچی معرفی و در عین حال، پادشاه عربستان را از اتهام مبرا می کند و این یعنی پایان کار بن سلمان و پایان زمان اعتبار وی. یعنی دیگر بن سلمان، برای آمریکا مهره ای سوخته به حساب می آید و ماندنش بیش از این بر قدرت نه تنها شاید منافعی برای آمریکا نداشته باشد بلکه ممکن است حمایت از وی به ضرر آمریکا تمام شود. ترامپ، به عنوان منجی و فرشته ضد تروریسم، با برکناری و حتی مجازات بن سلمان، عملا دست خود را هم از همه جنایات داعش، یمن، سوریه، لبنان و عراق شسته و هم مهره جدید را با کارآمدی جدید بر تخت ولیعهدی می نشاند. متاسفانه برخی رسانه های کشور نیز با درک نکردن صحیح این نقشه، در ایفای نقش به آمریکا، اردوغان و روزنامه ها و شبکه های خبری وابسته به آن ها کمک کردند و برخی از مسئولان نیز، بن سلمان و آل سعود را مسبب اصلی این جنایت برشمردند و به دست های پشت پرده و فرمانده اصلی که دولت آمریکا و لابی صهیونیسم هستند اشاره ای نداشتند. شاید اگر این گونه به مسئله نگاه می شد، زمان خوبی بود تا کشورهای عربی و حتی عربستان، نوع دوستی آمریکا را بهتر درک کنند و بدانند در پشت نقاب همراهی و شراکت آمریکا، چه چهره ای مخفی شده است و این آمریکا، دولتی است که هیچ کس حتی آنان که دست نشانده وی هستند و سال ها به او و رژیم صهیونیستی خدمت رسانده اند از نقشه های شوم و استکباری اش در امان نیستند.

تروریست ها سلاح های سنگین خود را به منطقه «عاری از سلاح» ادلب بازگرداندند

توافق سوچی در آستانه فروپاشی

پس از آن که گروه های تروریستی حاضر نشدند از منطقه «عاری از سلاح» ادلب خارج شوند، بار دیگر سلاح های سنگین خود را به بسیاری از مواضع پیشین خود در این منطقه بازگرداندند. ارتش سوریه نیز به نقض «توافق سوچی» توسط گروه های تروریستی پاسخ داد و مواضع آنان را در ریف های «حماه، حلب و لاذقیه» بمباران کرد. در پی دیدار پوتین و اردوغان در سوچی در ماه گذشته، اعلام شد که یک منطقه عاری از سلاح به عمق ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر بین خطوط تماس ارتش سوریه و افراد مسلح در شمال غرب این کشور ایجاد خواهد شد و گروه های مسلح و ارتش سوریه از این مناطق عقب نشینی می کنند و تنها نیروهای روسی و تُرک در آن مستقر خواهند شد اما تروریست ها با نقض توافق، همچنان در حال تحکیم مواضع و انتقال سلاح و تجهیزات به خطوط عملیاتی هستند که در منطقه عاری از سلاح واقع شده است و به صورت مداوم و روزانه مواضع ارتش سوریه را هدف قرار می دهند. این در حالی است که دو روز پیش اعلام شده بود گروه های تروریستی «فیلق الشام» و «ثوار الشام» در قالب اجرای توافق سوچی، ادوات نظامی سنگین خود را از محله جمعیة الزهرا در غرب حلب بیرون بردند. منابع خبری گفته بودند که این دو گروه همچنین به همراه گروه موسوم به «نورالدین الزنکی»، ادوات نظامی سنگین نظیر تانک ها، خمپاره اندازها و توپخانه سنگین را از محله الراشدین در غرب حلب بیرون بردند اما ائتلاف تروریستی هیئت تحریر الشام (هتش) با صدور بیانیه ای از ادامه نبرد با دولت سوریه و مخالفت با کنار گذاشتن سلاح خود خبر داد و اعلام کرد راهی را که شروع کرده ادامه می دهد و تسلیم آن چه اشغالگر روسی خواند، نمی شود. گروه موسوم به دیده بان حقوق بشر سوریه نیز که نزدیک به معارضان است، روز گذشته اعلام کرد تاکنون هیچ گروه تروریستی از منطقه عاری از سلاح خارج نشده است. همزمان، «فیصل المقداد»، معاون وزیر خارجه سوریه در پاسخ به سوال روزنامه سوری «الوطن» درباره میزان صبر سوریه در برابر پایبند نبودن ترکیه به توافق سوچی گفت: موضوع، موضوع صبر نیست اما دولت ترکیه باید به تعهدات خود درباره توافق سوچی عمل کند و قادر به انجام وظایف خود باشد، زیرا یکی از مسئولیت هایش این است و ما می دانیم که می تواند به این تعهدات خود عمل کند، چون گروه های تروریستی در این منطقه تحت فرمان ترکیه هستند. المقداد در پاسخ به سوال دیگر روزنامه الوطن درباره امکان ورود ارتش سوریه به درگیری با ارتش اشغالگر ترکیه که در شمال غرب سوریه حضور دارد، گفت: ما می خواهیم همه این مشکلات در چارچوب حل و فصل وضعیت شهروندان، آشتی های ملی و حفظ زیرساخت ها فیصله پیدا کند؛ امیدواریم دولت ترکیه و گروه های مسلح درک کنند، صبر دولت سوریه هم حد و اندازه ای دارد.

بسته های مشکوک انفجاری به خانه دموکرات های سرشناس آمریکا ارسال شد

دومینوی کشف «بسته های انفجاری»

صندوق های پستی در روزهای گذشته بزرگ ترین تهدید برای سیاستمداران آمریکایی بوده اند. سرویس امنیت آمریکا اعلام کرد: بسته های مشکوکی در صندوق پست خانه های باراک اوباما در واشنگتن و هیلاری کلینتون در نیویورک کشف شده است. اقدامی که شهردار نیویورک نیز آن را تروریستی دانست. خبرگزاری ها گزارش دادند که بسته مشکوک دیگری نیز به کاخ سفید ارسال شده است. از سوی دیگر دفتر شبکه تلویزیونی سی ان ان در نیویورک به دلیل مشابه تخلیه شده است. سی ان ان به نقل از سه منبع مطلع گفته است روی بسته ارسالی به دفتر این شبکه، نشانی جان برنان، رئیس سابق سیا نوشته شده بود. سرویس امنیت آمریکا در بیانیه ای درباره بروز این حادثه در خانه های اوباما و کلینتون گفته است: این بسته ها در جریان بازرسی های منظم سریعا به عنوان وسیله های احتمالا انفجاری شناسایی و به صورت ایمن از محل خارج شد. افراد مورد حفاظت این بسته ها را دریافت نکردند و در معرض خطر هم نبودند. سخنگوی اوباما از اظهار نظر در این باره خودداری کرده و خبرنگاران را به بیانیه سرویس مخفی آمریکا ارجاع داده است. کشف این بسته ها، دو روز پس از خنثی شدن یک بسته انفجاری در نزدیک خانه جورج سوروس، سرمایه گذار میلیاردر آمریکایی صورت گرفته است. سوروس یکی از ثروتمندترین مردان دنیا و مؤسس بنیاد جامعه باز است. «بنیاد جامعه باز» در ۱۰۰ کشور فعالیت دارد و از اواسط دهه ۱۹۸۰، از گروه های مدنی در شماری از کشورها حمایت کرده است.

با انتخابات ۲۰۱۸ کنگره

جمهوری خواهان ممکن است تا ۵۶ کرسی سنا را به دست آورند

سیاست النصر بالرعب ترامپ

پیش از انتخابات میان دوره ای کنگره باز پیش بینی ها و نظرسنجی ها در ایالات متحده داغ است. هر چند در انتخابات ۲۰۱۶، تا حدودی از اعتبار صحت نظرسنجی ها کاسته شد اما آمریکا کشور نظرسنجی هاست. به گزارش سی ان ان، براساس آخرین پیش بینی ها، احتمالا دموکرات ها مجلس نمایندگان را پس بگیرند. پیش بینی شده است دموکرات ها با ۲۲۶ کرسی صاحب اکثریت مجلس شوند و جمهوری خواهان نیز ۲۰۹ کرسی را تصاحب کنند. اما درباره سنا پیش بینی شده است جمهوری خواهان بتوانند ۵۱ کرسی خود را حفظ کنند و دموکرات ها همچنان با ۴۹ کرسی در اقلیت قرار گیرند. در تحقیقاتی که با محاسبه اندکی خطا صورت گرفته است، احتمال دارد جمهوری خواهان از ۴۷ تا ۵۶ کرسی در سنا را به دست آورند. البته همه می دانند که الگویی مشابه در انتخابات سال ۲۰۱۶ نیز نشان می داد هیلاری کلینتون از شانس ۷۲ درصدی برای پیروزی برخوردار است اما نتیجه متفاوت از پیش بینی ها شد. بنابراین باید این سناریو هم مدنظر قرار گیرد که جمهوری خواهان از قابلیت نگهداری اکثریت حزب شان در مجلس نمایندگان برخوردارند. در این میان ترامپ خود وارد معرکه شده است تا بازی را به سود جمهوری خواهان عوض کند. او با استفاده از موج مهاجرانی که پشت درهای آمریکا مانده اند، قصد دارد مردم این کشور را با ابزار ارعاب به سمت صندوق های رای بکشاند تا جمهوری خواهان مجدد در هر دو نهاد قانون گذاری این کشور دست بالا را داشته باشند. به نوشته نیویورک تایمز، او در کارزارهای انتخاباتی با پیش کشیدن موضوعات بی پایه و با این عنوان که موج جدید مهاجران به دلیل حضور دموکرات ها از خاورمیانه به آمریکا سرازیر خواهند شد، قصد دارد مردم آمریکا را بترساند. او گفته است میزان آمار جرم و جنایت در آمریکا به دلیل حضور خارجی ها در این کشور بالا رفته است و اگر مردم این کشور در روز ششم نوامبر از جمهوری خواهان حمایت نکنند، باید منتظر ساعت ها و روزهای سیاه باشند. مهم ترین برگ برنده ترامپ در این کارزارها موضوع مهاجرت است. رئیس جمهور آمریکا و برخی جمهوری خواهان در صدد ترس مردم را از قدرت گرفتن دموکرات ها افزایش دهند. در سخنرانی های جمهوری خواهان در چند روز اخیر آن ها سعی کرده اند بین میزان جرم و مهاجرت ارتباط برقرار و آن را به حضور دموکرات ها در کنگره منتسب کنند. ترامپ هر روز در توئیترش از مضرات مهاجرت می نویسد. حضور انبوه مهاجران پشت درهای بسته آمریکا نیز مزید بر علت شده است تا ترامپ روی این موضوع مانور بیشتری دهد. در رادیو و تلویزیون های محافظه کار مثل فاکس نیوز، موضوع اصلی بحث ها، مهاجرت و حضور انبوه مهاجرانی است که نتوانسته اند وارد آمریکا شوند.

قاب بین الملل

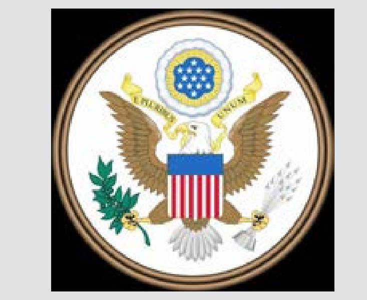

طعنه «عقابی» پوتین به بولتون

پوتین با بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید ملاقات کرد. وی در این دیدار، اقدامات اخیر واشنگتن در خصوص خروج یک جانبه از پیمان منع موشک های هسته ای میان برد را غیردوستانه توصیف کرد. رئیس جمهور روسیه در بخشی از این دیدار سوالاتی کنایه آمیز درباره نشان ملی آمریکا از بولتون پرسید. پوتین با اشاره به طرح تیر و شاخه زیتون در نشان ملی آمریکا در اظهاراتی کنایه آمیز حمایت واشنگتن از صلح را زیر سوال برد و پرسید: تا جایی که می توانم به یاد بیاورم نشان ملی آمریکا یک عقاب است که در یک چنگال خود ۱۳ تیر و در چنگال دیگر خود [فقط] یک شاخه زیتون – که نماد سیاست دوستداران صلح است – دارد. یک سوال؛ این عقاب شاخه زیتون را خورده و تیرها را نگه داشته است؟ بولتون امیدوار بود بتواند به پرسش پوتین پاسخ دهد اما به طعنه گفت: شاخه زیتون را با خودش نیاورده است. پوتین نیز در واکنشی سریع پاسخ داد: همین فکر را می کردم! اظهارات پوتین موجب خنده افراد حاضر در این نشست شد. به نظر می رسد هدف پوتین از طرح چنین سوالی، اشاره به سیاست های جنگ طلبانه آمریکا بوده است. رئیس جمهور روسیه در ادامه به شعار نشان ملی آمریکا (Epluribus unum) که عبارتی لاتین با مضمون اتحاد است، اشاره کرد و گفت: این شعار حاکی از جایگاه یکسان و مشترک (کشورها) به رغم تفاوت هاست. بولتون نیز در این باره موافقت خود را با پوتین اعلام کرد. روی نشان بزرگ ایالات متحده آمریکا (Great Seal of the United States) عقاب سر سفیدی دیده می شود که در چنگال سمت چپ ۱۳ تیر و در چنگال سمت راست خود یک شاخه زیتون را نگاه داشته است. معنای نشان با عبارت زیر بیان شده است: «a strong desire for peace, but will always be ready for war.» «تمایل قوی به صلح، اما همواره آماده جنگ.» جهت نگاه عقاب به طرف سمت راست خود (شاخه زیتون) است که به معنای ترجیح عقاب به صلح است. عقاب در منقار پارچه ای را نگاه داشته که بر آن عبارت لاتین E Pluribus Unum نقش بسته است. این عبارت به معنای یک از بسیار و نشان دهنده به وجود آمدن ایالات متحده از چندین ایالت به صورت یک کشور واحد است. بالای سر عقاب یک هاله نورانی دیده می شود که در آن ۱۳ ستاره وجود دارد. ۱۳ ستاره بالای سر عقاب (و همین طور ۱۳ تیر در چنگال چپ عقاب و نیز تعداد دانه های زیتون و برگ های شاخه زیتون) نشان از ۱۳ ایالت اولیه در زمان انقلاب آمریکا علیه استعمار بریتانیا (۱۷۸۳–۱۷۷۵) دارد. این نشان کف وزارتخانه ها و بسیاری از موسسات دولتی آمریکا را پوشانده است، گفته می شود که از دوره هری ترومن به این سو، سر عقاب به سمت راست خود تغییر داده شده تا مبادا برداشت جنگ طلبانه ای برای آمریکا القا شود!